

# مجله موسیقی

از انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور

شماره

۳۲

دوره سوم

اردیبهشت ۱۳۳۸

## داستانی از خمسه نظامی ((پری)) : که به موسیقی سنفونیک ورقص درآمده است...



مضامین و افسانه های ایرانی تاکنون بارها موضوع آثاری در موسیقی غربی قرار گرفته است. از جمله اینگونه آثار سوئیت سنفونیک شهرزاد، که بر روی برخی از داستانهای هزارویکشب ساخته شده، در کشور ما معروف خاص و عامست ولی اثری چون باله «پری» (La Péri) ساخته «بل دوکا» آهنگساز فرانسوی، که مضمون یک افسانه ایرانی را توصیف می کند، متأسفانه در ایران بکلی ناشناس مانده است. بچند علت جای آن دارد که موسیقی دانان و موسیقی دوستان ایرانی با این اثر آشنائی بیابند: نخست اینسکه «پری» اثر هنری ارزنده و مستحکمست، دوم اینسکه «دوکا» در نوشتن آن از یک

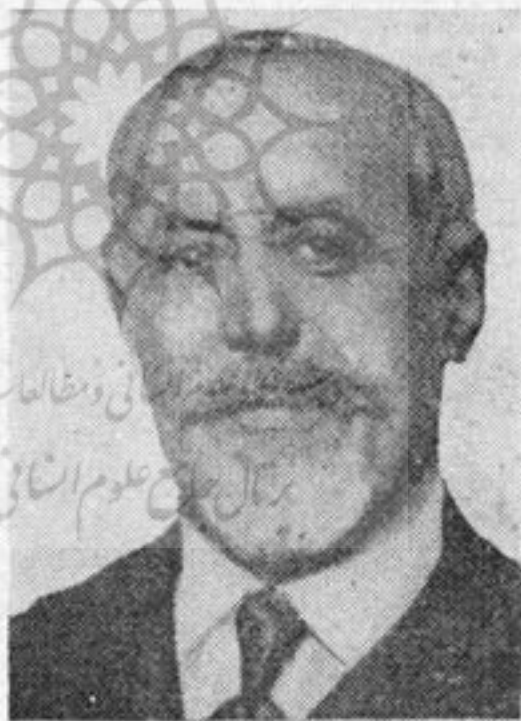
افسانه ایرانی الهام گرفته و برای بیان آن کوشیده است که موسیقی خود را بارنگ و ریزه کاریهای شرقی و ایرانی بیاراید ( البته تاجایی که این چنین کاری برای يك آهنگساز فرانسوی در آغاز این قرن امکان پذیر می توانست بود!... ) ، دیگر اینکه باله «پری» پیوسته با صحنه آرائی و دکوراسیون و لباسهایی بروی صحنه آمده و اجرا گردیده که در تهیه آنها از نقاشی ها و مینیاتورها و مناظر ایرانی استفاده شده است .

بنظر می رسد که هنرمندان ایرانی شاید بتوانند در این اثر نکاتی بیابند و بیاموزند که شاید بکارشان بیاید ... ولی البته بهیچوجه غرض آن نیست که این اثر - و آثار مشابه دیگری - را خدای نکرده یکسره سرمشق کار خود سازند ...

در این مقال می کوشیم «پری» دوکارا باختصار معرفی و تجزیه نماییم . امید ما همه آنست که از این رهگذر التفات و کنجکاوی هنردوستان ما بدان جلب گردد .

### سازنده

«پل دوکا» (P. Dukas) آهنگ - ساز قطعه مشهور «شاگرد جادوگر» از موسیقی دانان بزرگ اواخر قرن گذشته و نیمه اول قرن بیستم است ( ۱۸۶۵-۱۹۳۵ ) . از خصوصیات



مهم « دوکا »  
 حساسیت  
 انتقاد و تجزیه  
 و تحلیل فنی  
 شدید است که  
 گاه اصلا مانع  
 آفرینش هنری  
 هنری او می -



گشت . « دوکا » اندکی پیش از مرگش دستخط بسیاری از آثار خود را از بین برد زیرا عقیده داشت که این آثار از کمال و غایت مطلوبی که

منظور او بود ، بسیار بدورند ...

« دوکا » هنگامی که هنرجوی کنسرواتوار پاریس بود با دو بوسی طرح دوستی ریخت . آثاری که وی تا آن زمان نوشته بود کمابیش از شیوه « واگنر » متأثر بنظر می رسید . دوکا قطعه « شاگرد جادوگر » را ( که خود « سکرزو سنفونیک » خوانده است ) درسی و دومین سال زندگی خود نوشت . موفقیت این قطعه ، که بر روی موضوع منظومه ای از « گوته » ساخته شده ، چنان بود که دوکا بزودی از جمله مشاهیر موسیقی زمان خود بشمار آمد . « شاگرد جادوگر » از لحاظ تنوع رنگ آمیزی اور کستر مسلماً اثری بسیار استادانه است ولی با اینحال دور از انصاف خواهد بود که آنرا شاهکار دوکا بشماریم ، بخصوص اگر از لحاظ ارزش و بدعت فنی در مقام مقایسه اش با « سنفونی » و « سونات پیانو » او بر آئیم . از آن پس دوکا مدت ده سال بر سر اوپرائی بنام « آریان و ریش کبود » کار کرد . این اوپرا تقریباً با اوپرای « پله آس و ملیزانده » دو بوسی همزمانست . ولی دوکا در این اوپرا ، برخلاف دو بوسی ، کوشیده است که فورمهای موسیقی سنفونیک و « خالص » را بکار بیند ، تا جائی که هر کدام از پرده های این اوپرا ، از لحاظ طرح ساختمانی ، بیک بخش سنفونی می ماند . این نکته را نگفته نگذریم که این چنین شیوه و تمپیدی در آثار اوپرائی برخی از آهنگسازان پس از دوکا نیز مشهود افتاد . باله « پری » نیز از نظر ساختمان بیشتر به « منظومه سنفونیک » شباهت دارد تا به موسیقی باله . بجز آثاری که اسم بردیم ، کمتر اثر مهم دیگری از دوکا بدست آمده است زیرا همچنانکه



گفتیم حس انتقاد بی رحمانه دوکا حتی از ساخته های خود نیز نگذشته و بسیاری از آنها را با تش زوال سوزانده بود ... از آثار دیگر دوکا که درخورد کراست « واریاسیون برای پیانو بر روی تمی از رامو » ، « پیش درآمد مرتبه آمیز » و « شکوه فون » ( بیاد دو بوسی ) را نام می توان برد .

« دوکا » استاد و معلمی بصیر نیز بود و تنی چند از آهنگسازان پر ارج معاصر فرانسه از شاگردان سابق کلاس او هستند . علاوه بر این دوکا نویسنده و نقاد صاحب نظری هم بود . نوشته ها و انتقادات متعدد او ، که بصورت مجموعه ای انتشار یافته است ،

خالی از اعتبار نیست و غالباً حاوی نکته‌ها و عقایدیست که گذشت زمان صحت آنرا تأیید کرده است .

در آثار موسیقی معدود «دوکا» از طرفی حساسیت و ظرافتی محتاطانه، و از طرف دیگر تمایلی بعظمت از نظر ساختمان و فورم، احساس می‌شود . این دو جنبه ظاهراً متضاد در آثار دوکا باعث تعادل می‌گرایند و بهم می‌آمیزند . دوکا در نوشتن آثار خود چنان دقت و نکته‌سنجی بکار می‌برد که گاه بعد وسواس می‌رسید ... استحکام و نظم ساخته‌های او از این وسواس نشانی در خود دارد .

دوکا غالباً به طبع و روحیه و هنر شرقی علاقه و کنجکاوی خاصی از خود نشان می‌داد . این علاقه نیز از خلال برخی از نوشته‌های او، و همچنین از انتخاب موضوع باله «پری» ، بچشم می‌خورد .

### مضمون و داستان «پری»

قطعه «پری»، که دوکا آنرا «منظومه رقص دریک تابلو» نامیده است قطعه سنفونیک است که برای همراهی نمایش باله و «پانتومیم» نوشته شده است .

مضمون داستان این قطعه از یک افسانه ایرانی اقتباس شده و این معنی را دوکا و همه «مفسران» آثار او پیوسته تصریح کرده‌اند . ولی متأسفانه بدرستی معلوم نیست که «دوکا» این افسانه را از کجا اقتباس کرده

است . قدر مسلم اینست که مضمون داستان «پری» در میان قصص و افسانه‌های ایرانی نظایر متعدد دارد و در میان دیگر ملل شرقی نیز معمولست . علاوه بر این مضمون افسانه «پری» در برخی از آثار ادبی منظوم ایران نیز آمده است و منجمله در اسکندرنامه‌ی خمسة نظامی گنجوی (قسمت شرفنامه) داستانی شبیه آن یافت می‌شود . اما ، همچنانکه گذشت ، معلوم نیست که دوکا آنرا از روی متن مجموعه‌ای از قصه‌های ایرانی اقتباس کرده یا اینکه مضمون افسانه اسکندرنامه ، یا کتاب دیگری را



برگزیده و بنا بر مقتضیات کار خود اندکی تغییر داده است .  
 بهر حال ، موضوع افسانه‌ای که طرح ساختمانی قطعه «پری» از روی  
 آن تنظیم شده اینست :  
 یکی از اخترشناسان دربار اسکندر ، درواپسین روزهای جوانی او ،  
 بدو خبر می‌دهد که ستاره بخت و جوانیش رو بخاموشی است و بدو اندرز  
 می‌دهد که برای باز یافتن جوانی و عمر جاودانی بجستجوی «گل ابدیت» ،  
 که در تصاحب «پری» است ، برخیزد . در اسکندرنامه «گل ابدیت» بصورت  
 «آب ظلمات» آمده است :

... که از هر سواد آن سیاهی به است  
 بگنج گران عمر خود بر مسنج  
 چو خواهی که مانی بسی روزگار  
 که آبی درو زندگانی ده است  
 که خاکست پر گنج و حمال گنج  
 سر از چشمه زندگانی بر آر ...

... حجابیست در زیر قطب شمال  
 حجابی که ظلمات شد نام او  
 هر آنکس کز آن آب حیوان خورد  
 درو چشمه پاک از آب زلال  
 روان آب حیوان از آرام او  
 ز حیوان خوردان جهان جان برد ...

... ملك را ز تشویر آن گفتگوی  
 پدید آمد اندیشه جست و جوی ...

اسکندر بقصد دست یافتن به «گل ابدیت» عزم سفر می‌کند و پس از تکاپو  
 و جستجوی بسیار سرانجام به اقامتگاه پری می‌رسد که حوری‌ای بهشتی است و از  
 عطر گل تغذیه می‌کند... پری بر روی بله‌های کاخ هر مز د خداوند نور و قدرت



بخواب رفته است و «گل ابدیت» را در دست دارد. اسکندر بملایمت  
 بدو نزدیک می‌شود و گل را از او می‌زباید . «گل ابدیت» به-  
 زمرد می‌ماند ولی در دست سلطان برنگ ارغوانی عطش و  
 اشتیاق درمی‌آید و چون خورشید می‌درخشد . پری بیدار می-  
 شود و سلطان از دیدن زیبایی سحر آمیزش بدو دل می‌بازد...  
 پری می‌خواهد گل ربوده شده را باز بیابد زیرا بدون آن دیگر  
 به بارگاه خداوندان راه نمی‌تواند یافت . پری، آشفته و سبکبال ،  
 در برابر اسکندر برقص درمی‌آید و بالتماس «گل ابدیت» را  
 از او باز می‌خواهد . اسکندر ظاهراً بخواهش و التماس پری



طرح دکور برای «پری»

اعتنائی ندارد و آهنگ عزیمت می کند . ولی در درون او کشاکشی بین میل بابدیت از سوئی و عشق به پری از سوی دیگر ، در گرفته است ... در این بین پری بقصد آنکه آتش شوق و تمنای در وجود اسکندر دامن زند به رقصیدن رقص بریان می پردازد و بیش از پیش بدو نزدیک می شود تا جائی که چهره اش با چهره سلطان تماس می یابد . اسکندر که آتش میل در وجودش زبانه می کشد « گل ابدیت » را به پری پس می دهد تا شاید در عوض وجود نازنینش را در آغوش کشد . ولی بمحض اینکه گل به دست پری می رسد رنگ و جلای سپید نخستین خود را باز می یابد و پری در پرتو نور آن ناپدید می گردد . اسکندر ، خسته و ناتوان ، از پای در می آید و سایه مرگ را در پیرامون خود بچشم می بیند .

یکی از « مفسران » آثار « دوکا » داستان پری را بعنوان مظهر و معرف اندیشه و معتقدات « دوکا » تجزیه کرده است . وی معتقد است که دوکا این افسانه را بعنوان دو « سنبول » مشخص برگزیده است : نخست جستجوی متهورانه کمال مطلق صعب الوصول ( « گل ابدیت » ) . ولی هنگامی که اسکندر این غایت مطلوب را بچنگ می آورد دیگر آنرا چون « کمال مطلق » نمی نگرد بلکه سعادت می گذران می شمارد و بدون حسرت به پری ، که عشق





را در وجودش برانگیخته است ، می-  
بخشد؛ و این جنبهٔ اخیر ، نمایندهٔ دومین  
«سنبول» این افسانه است .

### تاریخچهٔ «پری» ...

از دورهٔ رومانتیسم به بعد شخصیت  
کمابیش افسانه ای موجوداتی چون  
«حوری» و «پری» و «فرشته» مورد  
توجه روزافزون طراحان و تنظیم -  
کنندگان باله در مغرب زمین قرار  
گرفت . شخصیت اینگونه موجودات  
افسانه ای، برای بیان نیات رومانتیک  
طراحان رقص و باله ، بسیار متناسب  
می نمود . پریان و حوریان رومانتیک  
بر روی صحنه مظهر رابطهٔ ماوراء -  
الطبیعه و دنیای خاکی بشمار می -  
رفتند ... علاوه بر این اغلب این پریان  
و حوریان اصل و نسبی شرقی داشتند  
و با برزوی صحنه آوردن آنها موقعیت

طرح لباس برای «اسکندر»

و بهانه ای بدست می آمد که بتوان از اشعار عرفانی هندی و نغمه های سحرانگیز  
شرقی و عطر «گل های سرخ اصفهان» استفاده شود. البته در این  
میان آنچه با اصطلاح «شرقی» بود غالباً با چنان ابتذال و تعبیرات  
نسنجیده و نادرستی درهم می آمیخت که از مشرق زمین هیچ نشانی  
در آن باقی نمی ماند... ولی عامهٔ غربیان قرن گذشته از مشرق -  
زمین جز مشتی تصویر و اطلاعات مغلو ط جسته گریخته چیزی  
در ذهن نداشت و از طرف دیگر میخواست آنچه از مشرق زمین  
بدو عرضه می شود از عادات و معلوماتش چندان بدور نباشد که  
برایش نامأنوس جلوه کند ...



نخستین بار سال ۱۸۴۳ شخصیت نمایشی پری در اوپرا برای  
پاریس در باله ای بهمین اسم بروی صحنه آمد و موفقیت آن نیم

قرن دوام یافت . متن ادبی این باله از «توفیل کوتیه» نویسنده فرانسوی و موسیقی آن از «بورگمولر» آهنگساز آلمانی بود که قطعات کوچکش برای پیانو معروف همه مبتدیان پیانوست... ستاره بخت این نخستین «پری» از زمانی رو بافول رفت که گروه «باله روس» نمایش های خود را در پاریس بروی صحنه آورد . مشرق زمینی که باله روس از خلال موسیقی برخی از نمایش های خود عرضه می داشت چنان رنگ آمیزی مجلل و متنوعی داشت که موسیقی یکنواخت و بی رنگ «بورگمولر» بزودی از نظرها افتاد ...

اما اگر هنوز شخصیت نمایشی پریان و حوربان صحنه باله غربی را ترك نگفته است ، این عمر دراز را بایستی مسدیون همین «پری» نوزاد پل دوکا دانست که بار دیگر التفات عامه را بسوی شخصیت پری باز آورد ... چنانکه می دانیم «دیاگیلف» رهبر و مدیر گروه «باله روس» نوشتن موسیقی نمایش های باله خود را به عده ای از بزرگترین آهنگسازان معاصر -

که در آن زمان غالباً ناشناس بودند یا شهرت زیادی نداشتند - سفارش می داد . برخی از مهمترین آثار «ستراوینسکی» ، «دوبوسی» ، «راول» و عده ای دیگر از آهنگسازان بزرگ قرن بیستم بدینگونه برای نخستین بار توسط «دیاگیلف» بروی صحنه آمد و اجرا گردید . نوشتن «پری» را نیز «دیاگیلف» بدو سفارش داد و قرار بود که این باله توسط «گروه باله روس» اجرا گردد . ولی باینکه «دیاگیلف» با نظر و شمش صائب خود ارزش هنری «پری» را دریافت باینحال از اجرای آن چشم پوشی کرد زیرا «دوکا» اصرار داشت

که نقش «پری» بوسیله «تروهانووا» رقصه مشهور ( که قطعه «پری» بدو اهدا شده است ) رقصیده شود ولی «دیاگیلف» با این امر موافق نبود .



سرانجام «پری» برای نخستین بار توسط «تروهانووا» در تئاتر «شاتله» پاریس به معرض نمایش درآمد . طرح «کورگرافی» این باله در نخستین نمایش آن بوسیله «ستاتز» تنظیم شده بود . نه سال بعد «پری» در ضمن برنامه های اوپرای پاریس اجرا گردید و در سال ۱۹۳۱ نیز بوسیله «ایفار»



مشهور در او برای همان  
شهر بمعرض نمایش  
در آمد .

از هنرمندان مشهور  
باله که تا کنون در باله  
«پری» شرکت جسته -  
اند « نیژینسکی » و  
«پاولووا» و «لیفار» را  
بخصوص ذکر باید کرد.  
مشهورترین قسمت‌های  
این باله، از نظر فنی هنر  
باله حرکات رقص «رؤیا»  
و همچنین جهش پنج  
متری بسیار مشکلیست  
که در طرح باله پیش -  
بینی شده است .

چنانکه گذشت ، در  
صحنه پردازی و دکور -  
سیون و لباس‌های این  
باله غالباً از مدارك و

و تصاویر  
قدیمی مربوط  
به ایران و از



علوم انسانی و مطالعات  
هنری  
مجله علمی و تحقیقاتی  
پژوهش‌های علمی و پژوهشی

طرح لباس برای «پری»

رنگها و طرح‌های مینیا توره‌های ایرانی کمابیش استفاده می‌شود.

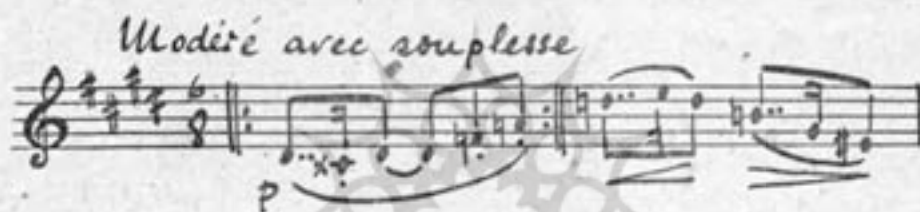
تجزیه فنی موسیقی « پری »

چنانکه گفتیم با اینکه موسیقی «پری» بمنظور همراهی  
نمایش باله نوشته شده است با اینحال استحکام استخوان بندی  
ساختمان و فورم موسیقی آن چنانست که بخودی خود ( یعنی  
بدون نمایش باله ) قطعه‌ای متجانس ، مستقل و قائم بذاتست .  
از همینروست که این قطعه غالباً در کنسر نیز نواخته می‌شود

بدون آنکه چیزی از مفهوم هنری آن کاسته گردد .

«پری» از نظر اورگسترسیون برای اورگستر بزرگ معمولی تنظیم شده است . تنوع سازهای ضربی در پارسیون اورگستر آن قابل توجه است . مدت اجرای «پری» در حدود ۱۸ دقیقه و با مقدمه سازهای بادی مسی ۲۱ دقیقه می باشد .

از نظر فورم و ساختمان موسیقی ، باله «پری» از رشته های وارپاسیونی بر روی دو تم تشکیل می یابد :



طرح و نقشه کلی پارسیون ، سیر تصاعد تدریجی مفصلیست که اندکی در نقطه اوج خود توقف می کند و بلافاصله سرعت فرود می آید . این نقشه با جریان کلی داستان نمایش کاملاً متناسب است : تصاعد تدریجی نشانه جستجوی

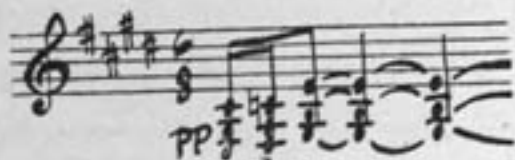
«گل ابدیت» است و نقطه اوج آن اشاره ای است به دست یافتن به گل . پس دادن گل به پری و ظهور سایه مرگ با سیر نزولی و فرود سریع منطبق است . نمایش باله با مقدمه ای که اندکی حالت روحانی دارد و با سازهای بادی مسی اجرا می گردد آغاز می شود . این مقدمه به پیش در آمد آهسته ای



۱- تجربه دقیق و میزان بعیزان پارسیون «پری» بی مورد بنظر می رسد . از همینرو در اینجا فقط تم ها و جمله های اصلی نشان داده شده است تا با توجه به سیر و تحول آنها رشته جریان کلی موسیقی و داستان آن بدست آید .

می پیوندند و اور کستر با «آرمونی» های ظریف و رنگینی اضطراب و اندوه اسکندر را در آستانه پیری بیان می کند. در طی این پیش درآمد آهنگ خطاب مظفرانه ای بوسیله «کور» ها بگوش می رسد :

*Lent*



تم معروف اسکندر (کلیشه ۱) بزودی در مایه اصلی می بزرگ نمایان می شود. پس از یک رشته واریاسیون آهنگ پیش درآمد از سر نو خودنمایی می کند. قسمت بعدی پارتیسیون (بامیزانهای  $\frac{4}{4}$ ) بعد از «کرشندو» می شروع می گردد. آغاز این قسمت در حقیقت مقدمه ایست برای رقص پری که تم اسکندر را بشکل دیگر گونه ای به همراه می آورد :

*Moderément animé*

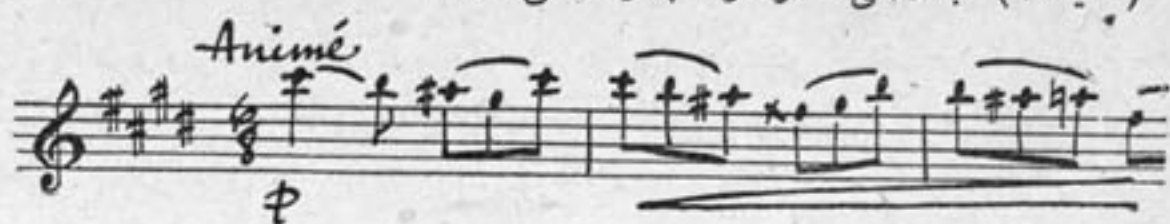


تم دیگری که بوسیله «کور» ها نواخته می شود و قبلاً بگوش رسیده بود: باز دیگر نمایان می شود و مثل اینست که معرف عشق و اشتیاق سلطانست:



این تم به «رقص پری» منجر می شود که دومین جزء بزرگ قطعه «پری» است. «رقص پری» بملایمت با تم خود (کلیشه ۲) آغاز می گردد و بتدریج با «کرشندو» و «آکچه» له راندو» ی اور کستر بجنب و جوش در می آید. تم اسکندر

(کلیشه ۱) با وزنی دگر گونه بگوش می رسد ؟



ملودی «رقس پری» لحنی شرقی دارد و اورکسترسیون آن دم بدم غنی ترمی گردد و سرانجام بارنگهای موج دار و طرحهای پیچیده خود همچون قالی و خاتم ایرانی جلوه می کند ...



دنباله صعود تدریجی، که اشاره کردیم، دو تم اصلی اسکندر و پری را بهم می آمیزد و بیش از پیش پرشور و محرک می گردد تا جایی که به نقطه اوج می رسد. پری و تم او پس از یک «دیمی نوئندو» ناپدید می شود و سومین جزء بزرگ اثر آغاز می گردد. این جزء، که آخرین جزء اثر است و

اسکندر را یکه و تنهادر آستانه مرگ نشان می دهد، با تم «کور» ها (کلیشه ۵) شروع می شود. تم «پری» از خلال آهنگ های محو و مبهمی بگوش می رسد. سپس تم اسکندر، بصورتی آرام و آهسته با خاطره محو و تیره «پری» درهم می آمیزد. در این قسمت «دوکا» سازهای زهی را به ۱۲ قسمت - حداکثر ممکن - تقسیم کرده است. اصوات سحر آمیزی که در آغاز قطعه بگوش زسیده بود، بار دیگر درمایه می بزرگ نمایان می گردند و بدینگونه قطعه را بسر می رسانند.

اورکسترسیون «پری» را بخصوص از لحاظ رنگ آمیزی، یکی از استادانه ترین آثار می توان شمرد که در سرتاسر تاریخ موسیقی سراج می توان گرفت.

